



هزینه- فایده تیرگی روابط ایران و آمریکا

◆ غلامحسین مظلومی عقیلی

ایران، این نیاز وجود دارد که سطح تنش ایران و آمریکا کاهش یافته و سیاست نزدیکی به اروپا به سیاست حل و فصل ساختارهای نزاع با آمریکا در منطقه تبدیل شود. در نگاه این طیف که هم در جناح موسوم به راست و هم در جناح موسوم به چپ و اصلاح طلب طرفدارانی دارد، در نگاه هزینه- فایده در بحث رابطه ایران و آمریکا، هر قدم دو طرف به یکدیگر باعث کاهش هزینه‌های فراوان به ویژه از سوی ایران در مقابل همسایگان و در حوزه اقتصادی خواهد شد. این دسته معتقدند مهمترین معضلی که اکنون اجازه نمی‌دهد نظام واقع‌گرای جمهوری اسلامی در راستای کاهش سطح تنش با آمریکا حرکت کند به قول محمد جواد لاریجانی از تئوریسین‌های جناح راست پوپولیستی شدن موضوع است. این عده به شدت معتقدند در یک سطح کلان و کارشناسی و در

مجدداً فعال و حتی رو به توسعه گذاشت همچنین که روابط اقتصادی ایران و اروپا در حال حاضر در بهترین وضعیت قرار دارد. به نظر آنها استراتژی تبدیل اروپا به رقیبی استراتژیک در برابر آمریکا در منطقه خاورمیانه در حال حاضر کارایی ندارد و به دلیل تحولات منطقه، فشار گاز انبری توسط آمریکا و نفوذ آمریکا در کشورهای همسایه و تلاش برای حذف نفوذ ژئوپلیتیکه ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک

در بحث رابطه ایران و آمریکا همواره دو نظریه در تقابل با یکدیگر وجود دارد: نظریه اول با نگاهی ایده‌آلیستی سعی دارد همچنان روابط ایران و آمریکا را که در دوره‌ای خاص از انقلاب شکل گرفت را همچنان نگاه دارد. طرفداران این نظریه کوشیده‌اند تعارض با آمریکا را به ستونی مهم و حتی به یکی از اصول تبدیل کنند. این نگاه در مقاطعی که احساس می‌شود ایران و آمریکا به دلایلی چون اشتراک منافع می‌توانند به یکدیگر نزدیک شوند فعال می‌شود.

نظریه دوم معتقد است روابط ایران و آمریکا همچون روابط ایران با بسیاری از کشورهای اروپایی باید واقع‌گرایانه باشد. از نگاه این دسته همچنان که روابط ایران و اروپا در مقاطعی به تیرگی منتهی شد اما پس از بحث و بررسی و گذر زمان، روابط



به باور من، ما می‌توانیم در عین وفاداری به منافع ملی و پایبندی به ارزش‌های انقلابی، روند سرنوشت ساز تنش زدایی را پیش ببریم. این کار شدنی است

سال سوم ■ شماره ۶۲۰ ■ **شرق**

خبرها □

مذاکره با آمریکا در دستور کار ما نیست

ایسنا: منوچهر متکی وزیر امور خارجه روز چهارشنبه برای انجام دیداری رسمی در چارچوب سیاست‌های دولت جدید جمهوری اسلامی ایران عازم ترکیه شد و نسبت به

ایران سال یازدهم- شماره ۲۲۲۷

آیت‌الله جنتی: دانشجویان باید پرچمدار مبارزه با آمریکا باشند

گروه سیاسی: آیت‌الله احمد جنتی امام جمعه موقت تهران با گرامیداشت هفته بسیج گفت: از خاصیت‌های بسیج، مقاومت در مقابل فشارها و ترسیدن و مرعوب نشدن است، کاری که سبب شدغریب ما در اجلاس اخیر شورای حکام عقب‌نشینی کنند.

سطوح بالای تصمیم‌گیری اگر به بحث رابطه ایران و آمریکا پرداخته شود قطعاً رای اکثریت به سود کاهش نزاع و بسیج هزینه‌های این نزاع برای حل مشکلات داخلی است اما تا زمانی که تصمیم‌گیری در مورد این رابطه در سطوح خیابانی تنظیم شود و نزد کارشناسان سیاسی و مجریان سیاست خارجی و تصمیم‌گیرندگان روابط خارجی ایران طرح و بررسی نشود امیدوی به باز شدن راه‌حلی برای این مشکل ساله نیست.

امروز این بحث جدی مطرح است که چرا سطح تنش در روابط ایران و آمریکا مشمول مرور زمان نمی‌شود و برعکس مرور زمان بر این پرونده قطور می‌افزاید مطلب ذیل نگاهی بر این مشکل است: در همین رابطه و در مقطعی که موضوع پرونده هسته‌ای ایران به مهمترین موضوع در سیاست خارجی ایران تبدیل شده است از سوی یکی

از نظریه‌پردازان جناح راست کار بحثی مطرح شده که قابل بررسی است.

محمد جواد لاریجانی معاون اسبق وزارت امور خارجه و از نظریه‌پردازان جناح راست در آستانه بررسی پرونده ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در گفت و گویی با خبرنگاری جمهوری اسلامی بار دیگر موضوع بررسی برقراری رابطه با آمریکا را مطرح نمود. اما این بار برخلاف دفعات پیشین، اظهارات وی با واکنش منفی روبه‌رو نشد.

وی در این گفت و گوها با صراحت گفت: استراتژی ما در درازمدت عادی سازی رابطه امریکاست در این که آمریکایی‌ها دشمن ما هستند تردیدی ندارم اما کار با دشمن بخشی از کار سیاسی است.

در عالم سیاست باید ۸۰ درصد با دشمنان کار کرد و ۲۰ درصد با دوستان، با دشمن هم می‌شود از نقاط مقطعی شروع کرد. نقاطی که منافع دو کشور متقارن است به رغم اینکه در ۱۰۰ مورد دیگر با هم اختلاف دارد.

او نتیجه‌گیری کرده است که می‌توان به ترتیب به مهار تشنج، کاهش تنش و همکاری‌های مقطعی در مسایل حیاتی دست یافت. در واقع در استراتژی موردنظر او سه سطح وجود دارد تا بحران قطع رابطه با آمریکا

به سطح کارشناسی و واقعگرایی برسد. وی در مورد رابطه با آمریکا می‌گوید: صحبت از محاسبه نفع و ضرر است. صحبت این نیست که تابویی باشد که با آمریکا روبه‌رو شویم یا اصلی خلاف شرع و قانون اساسی باشد.

وی تصریح کرده است متأسفانه بعضی‌ها وقتی به مسئله آمریکا می‌رسند فکرمی‌کنند ما باید یک دفعه پیش فرض خود را از نحوه تعامل با آمریکا به پیش‌فرض دیگری مبنی از دشمن به دوستی تبدیل کنیم، به اعتقاد او در عالم سیاست دوستی‌ها بر اساس منافع است دوستی‌ها و دشمنی‌ها مفهوم پراگماتیستی دارد.

دکتر لاریجانی تأکید می‌کند: سیاست ما عبور از روش‌های پوپولیستی است. شیوه‌هایی چون تعرض به سفارتخانه‌ها معقول نیست و نظام پای

امنیت سفارتخانه‌ها ایستاده است.

قطعاً پرونده قطع رابطه با آمریکا قطورتر از بحث این شماره مجله گزارش است.

از فرادای ۲۲ بهمن ۵۷ آمریکاستیزی، رهیافت بنیادین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شد. امروز، ۲۷ سال از پیگیری این رهیافت در سیاست خارجی ایران می‌گذرد و جا دارد که از منظر هزینه - فایده، پی‌آمدهای راهبردی این رهیافت را بررسی کنیم تا آشکار گردد که سود آمریکاستیزی بیش از هزینه‌اش بوده یا نه؟

ایالات متحده در میان سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ با در پیش گرفتن سیاست مناخله جویانه و گونه‌ای قیم مایی و پدرسالاری برای شاه سست عنصر، به حق خشم ایرانیان را برانگیخت. مردم ایران که از دخالت‌های ناروای آمریکا در امور داخلی ایران، سرخورده و خشمگین بودند این خشم ملی را در شعار "مرگ بر آمریکا" نشان دادند. به دیگر سخن، شعار "مرگ بر آمریکا" بازتاب خشم مشروع ملت ایران در برابر تاخت و تازهای امپریالیسم بود. اما پرسش این است که پس از سه دهه، ما همچنان باید بر طبل آمریکاستیزی بکوبیم و شعارهای ۲۷ سال

پیش که برگرفته از شرایط ویژه‌ی تاریخی آن زمان بود را همچنان دنبال کنیم، یا می‌توانیم در عین پاسداری از استقلال و منافع ملی ایران، با آمریکا سخن گوئیم و به قول حافظ، آسایش دوگیتی را در "مروت با دوستان" و "ملازا با دشمنان" جست و جو کنیم؟ نگارنده که منتقد سرسخت سیاست‌های استعماری ایالات متحده است اما در عین حال از اندیشه‌ی همزیستی مسالمت آمیز همیشه پشتیبانی کرده است. آیا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دنبال کردن سیاستی که در روزگار جنگ سرد درست بود، خطر آفرین نیست؟ آیا ماجراجویی‌های افسار گسیخته و تندروهای بی‌پروا در سیاست خارجی، امنیت ملی و منافع ملی کشور ما را به خطر نمی‌اندازد؟ در روابط با غربیان نیز برای آنکه تحریم‌های اقتصادی آمریکا شکسته شود، و مسئولین کشور در قراردادهای موسوم به By-Back یا بیع متقابل، امتیازات غیرملی بسیاری به شرکت‌های بزرگ نفتی

محمد جواد لاریجانی در گفت‌وگو با ایرنا سیاست خارجی ایران را تشریح کرد:

عبور از پوپولیسم

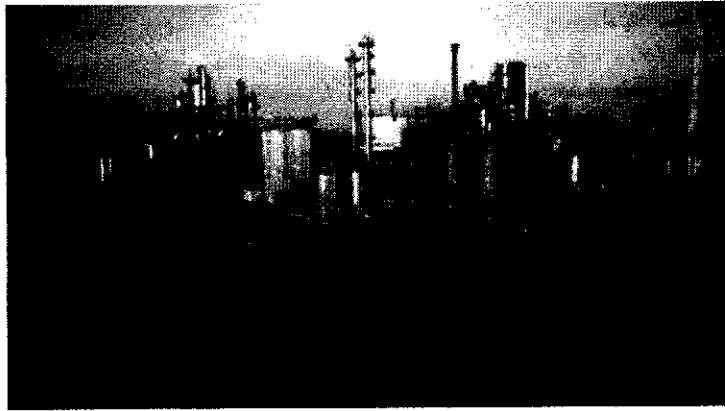


گروه سیاسی: ۲۶ سال پس از قطع روابط دیپلماتیک میان ایران و آمریکا و در شرایطی که روابط تهران، واشینگتن به افق چشمان خود علی‌سالی‌های گذشته رسیده است، محمد جواد لاریجانی می‌گوید که در رابطه با آمریکا باید استراتژی مهار و کاهش تنش و محدودی ساختن روابط در درازمدت را به تفحص خود دنبال کنیم. موضوع روابط ایران و آمریکا طی ۸ سال گذشته بارها مطرح شد.

از همین منظر لاریجانی معاون اسبق وزارت امور خارجه و از نظریه‌پردازان جناح راست در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در گفت و گویی با خبرنگاری جمهوری اسلامی بار دیگر موضوع بررسی برقراری رابطه با آمریکا را مطرح نمود. اما این بار برخلاف دفعات پیشین، اظهارات وی با واکنش منفی روبه‌رو نشد.

وی در این گفت و گوها با صراحت گفت: استراتژی ما در درازمدت عادی سازی رابطه امریکاست در این که آمریکایی‌ها دشمن ما هستند تردیدی ندارم اما کار با دشمن بخشی از کار سیاسی است. در عالم سیاست باید ۸۰ درصد با دشمنان کار کرد و ۲۰ درصد با دوستان، با دشمن هم می‌شود از نقاط مقطعی شروع کرد. نقاطی که منافع دو کشور متقارن است به رغم اینکه در ۱۰۰ مورد دیگر با هم اختلاف دارد. او نتیجه‌گیری کرده است که می‌توان به ترتیب به مهار تشنج، کاهش تنش و همکاری‌های مقطعی در مسایل حیاتی دست یافت. در واقع در استراتژی موردنظر او سه سطح وجود دارد تا بحران قطع رابطه با آمریکا

امپریالیستی مانند توتال فرانسه، گاز پروم روسیه، پتروناس مالزی، رویال داچ شل انگلیسی - هلندی داده اند تا در برابر تحریم های اقتصادی آمریکا، ایستادگی کنند. به دیگر سخن، تا با دادن امتیازات هنگفت به امپریالیست های نفتخوار اروپایی تحریم های اقتصادی آمریکا، شکسته شود، اما توجهی به این حقیقت تلخ نشد که این امتیازات



در برخی موارد، استقلال سیاسی و اقتصادی کشور را می تواند به خطر اندازد.

امتیاز استعماری، امتیاز استعماری است؛ خواه به آمریکا داده شود، خواه به فرانسه و انگلستان، در هر دو حال این منافع ملی ایران است که پایمال می شود و اما پی آمدهای این وضعیت در منطقه ی ما چه بوده است؟

بزرگترین برنده ی شعار مرگ بر آمریکا در منطقه - دولت ترکیه بود. ترکیه با سیاستی هوشیارانه و فرصت جویانه، از تضادهای میان ایران و آمریکا، به سود خود بهره برد. چرا باید خط لوله ی نفت و گاز آسیای میانه، به جای آنکه از نزدیک ترین و ارزان ترین و امن ترین راه موجود - یعنی ایران - به دریای آزاد برسد، از دورترین و گران ترین و ناامن ترین راه موجود - یعنی از زیر دریای مازندران و از خاک آذربایجان و گرجستان و ترکیه بگذرد خط لوله ی باکو - جیهان - پی آمد تیرگی روابط ایران و آمریکا است و صد البته که در پی این تیرگی روابط، سالیانه صدها میلیون دلار ارز باد آورده از راه ترانزیت به جیب ترک ها می رود

پی آمد دیگر تیرگی روابط با آمریکا تبدیل صدام به قدرت برتر منطقه بود.

صدام نیز مانند ترکیه از تیرگی مناسبات ایران و آمریکا هوشیارانه بهره جست تا از این خلاء استراتژیکی در راستای آرزوی دیرینه ی خود یعنی تبدیل شدن به ژاندارم خلیج فارس و به دست آوردن جایگاه رهبری جهان عرب بود، بهره برد. نیازی به یادآوری نیست که اگر مناسبات ایران و آمریکا در پی گروگان گیری به تیرگی کشیده نمی شد صدام توانایی و یارای حمله به ایران را نداشت. تجاوز صدام به ایران در پی گفت و گوهایی بسیارو گرفتن مجوز تجاوز از سوی آمریکا بود.

از دیگر برندگان تیرگی روابط میان ایران و آمریکا، امارات عربی متحده است. این کشور از سال ۱۳۵۰ که ایران، تا زمان سرنگونی شاه حتی یک بار هم به حضور طبیعی ایران در این سه جزیره اعتراض نکرد. همین که مناسبات ایران و آمریکا تیره شد دولت امارات زمان را مناسب دید و از این تیرگی روابط در راستای منافع ملی خود سود جست. تحریکات ضد ایرانی که امارات در خلیج فارس می کند، برآیند منطقی تیرگی روابط ایران و آمریکا است و گر نه کشوری با ۷۰۰ هزار نفر جمعیت و یافت قومی ناهمگون و ناهمگون بی هیچ ریشه ی تاریخی، توان شانه کشیدن برای ایران ۷۰ میلیونی را ندارد. در حال حاضر، امارات با ۷۰۰ هزار نفر جمعیت برای ایران ۷۰ میلیونی یک خطر امنیت ملی شده است.

کشور دیگری که از گروه سود برندگان تیرگی روابط ایران و آمریکا بود، جمهوری آذربایجان است. این جمهوری در راستای تیرگی روابط ایران و آمریکا، در دریای مازندران، سیاستی به شدت ایران ستیزانه در پیش گرفته و حقوق مشروع قانونی ایران را پایایی می شکند و نیز با در پیش گرفتن سیاست پان ترکسیم، به تحریکات جنایی خواهانه در شمال غربی ایران دست می زند. جمهوری آذربایجان تنها با بهره جستن از تضادهای میان ایران و آمریکا چنین تحریکات ضد ایرانی را دارد.

از دیگر پی آمدهای تیرگی روابط آسیب های سخت تحریم ها به اقتصاد ایران، مسلود شدن میلیاردها دلار دارایی ایران در آمریکا و پایمال شدن خسارت های جنگی ایران و نیز پایمال شدن حقوق ملی ایران در دریای مازندران است که هر کدام از اینها، گفتارهای جداگانه ای را می خواهد.

در قلمرو اقتصاد، ادامه این روند سودهای

اقتصادی بیشتری را به کشور سرازیر کرد یا بالعکس؟ آمریکا که خود در رأس شکنندگان حقوق بشر در جهان است از حقوق بشر، ایزاری برای سرکوب دشمنان خارجی ساخته و این ما هستیم که با در پیش گرفتن یک سیاست متین و خردمندانه، باید تهدیدات آمریکا را به صفر برسانیم. منطق خردورزی سیاسی، گاه عقب نشین های تاکتیکی را گریز

ناپذیر می سازد. مهم این است که این عقب نشینی تاکتیکی با پاسداری از اصول انقلابی و منافع ملی باشد. مگر چین و شوروی دو قدرت بزرگ سوسیالیستی، به گونه ای با آمریکا به همکاری نرسیدند؟ مگر این دو قدرت هسته ای، از همزیستی مسالمت با آمریکا سخن نمی گفتند؟ آیا ما نیز مانند چین و شوروی پیشین، نمی توانیم به گونه ای روابط با آمریکا را در چهارچوب منافع ملی بررسی کنیم؟ به باور من، ما می توانیم در عین وفاداری به منافع ملی و پای بندی به ارزش های انقلابی، روند سرنوشت ساز تنش زدایی را پیش ببریم. این کار شدنی است.

تندروی در سیاست خارجی نابخشودنی است به باور من، دنبال کردن این سیاست می تواند برای امنیت ملی کشور پیامدهایی بس ناگوار داشته باشد. عقب نشینی های تاکتیکی را نباید به حساب شکست و مرعوب بودن گذاشت. نرزش های خردمندانه را نباید تسلیم نامید. کنار گذاشتن تندروی را نباید سازش نام نهاد. برندگان تیرگی روابط با ایران و آمریکا، همه بودند جز خودمان. برآیند راهبردی و بلندمدت این رویه این بود که ایران به ناگزیر به بسیاری از کشورهای جهان امتیاز داده است. آیا روسیه با کارت ایران با آمریکا بازی نمی کند و ایران را ابزار باج خواهی های خودش از آمریکا ساخته است؟ آیا رویکرد ایران به روسیه، با توجه به اینکه روس ها هیچگاه تا پایان بازی با ما نبوده اند، یک خطای راهبردی نیست؟ نکند که ما "وجه المصلحت" باج خواهی روس ها از ایالات متحده شویم؟ تاکتیک سیاسی در پیوند با شرایط زمانی خودش تعریف می شود. در تعاملات خارجی به ویژه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، تنش زدایی منافع ملی ما را برآورد می سازد.